

The place of public opinion in criminal courts From the perspective of those involved in the criminal justice system

(Article Type: Original Research)

Ebrahim Ghorbani¹, Jamal Beigi^{2*}, Babak Pourghahramani³

Abstract

Public opinion is one of the forces that has always pursued certain demands in such a way that its impact on various events and happenings in society in various dimensions, even the penal system cannot be ignored. The present study seeks to examine the position of public opinion in criminal courts from the perspective of those involved in the criminal justice system. This research is descriptive-analytical in terms of research method and survey in terms of data collection method. The statistical population is all judicial justice professionals (lawyers, judges and reputable university professors) that 84 people were selected by simple random sampling. To collect information, a researcher-made questionnaire with direct questioning mechanism, closed questions and multiple choice of spectral or grading type was used and to summarize the data, descriptive statistics (frequency, frequency percentage, etc.) were used. Inferential statistics (one-sample t-test) was used to reject or confirm the hypotheses. Findings showed that the personal characteristics of the victim affect the position of public opinion in criminal courts (sig = 0.000). Public opinion influences judges' hearings in criminal courts (sig = 0.000). The type of crime affects the position of public opinion in criminal courts (sig = 0.000). Channels of influence affect the position of public opinion in criminal courts (sig = 0.000). Public opinion has an impact on the conduct and observance of court proceedings in criminal courts (sig = 0.000). As a result, the influence of public opinion in various cultural, political, social and legal fields is an undeniable issue and in many cases, the criminal justice system has been forced to adopt a similar approach.

Keywords: Public opinion, criminal courts, populism, criminal justice system, those involved in the criminal justice system.

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran; Corresponding Author: jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran



جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری

(نوع مقاله: علمی پژوهشی)

ابراهیم قربانی^۱، جمال بیگی*^۲، بابک پورقهرمانی^۳

چکیده

افکار عمومی یکی از نیروهای است، که همواره دنبال مطالبات خاصی بوده به گونه‌ای که نمی‌توان تاثیر آن را بر وقایع و رخداد‌های گوناگون جامعه در ابعاد مختلف، حتی نظام کیفری نادیده گرفت. پژوهش حاضر به دنبال بررسی جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری است. این پژوهش از لحاظ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات، پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری کلیه دست‌اندرکاران عدالت قضایی (وکلا، قضات و اساتید معتبر دانشگاه) است که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۸۴ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته با مکانیزم پرسشگری مستقیم، پرسش‌های بسته و چند گزینه‌ای از نوع طیفی یا درجه‌بندی استفاده شده و جهت خلاصه کردن داده‌ها، از آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی و ...) و جهت رد یا تایید فرضیه‌ها از آمار استنباطی (آزمون T تک نمونه‌ای) استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که ویژگی‌های فردی بزه‌دیده بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد ($\text{sig} = 0/000$). افکار عمومی بر رسیدگی‌های قضات در محاکم کیفری تاثیر دارد ($\text{sig} = 0/000$). نوع جرم بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد ($\text{sig} = 0/000$). مجاری تاثیرگذاری بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد ($\text{sig} = 0/000$). افکار عمومی بر نحوه رسیدگی و رعایت تشریفات دادرسی در محاکم کیفری تاثیر دارد ($\text{sig} = 0/000$). در نتیجه تأثیرگذاری افکار عمومی در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی مسأله‌ای است غیرقابل انکار و در بسیاری از موارد دستگاه عدالت کیفری نیز مجبور به اتخاذ رویکرد هم‌سو با آن شده است.

واژگان کلیدی: افکار عمومی، محاکم کیفری، عوام‌گرایی، نظام عدالت کیفری، دست

اندرکاران نظام عدالت کیفری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران؛ نویسنده مسئول

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

درآمد

عصر حاضر، دوران پرشتاب فن آوری های ارتباطی و اطلاعاتی است که چهره زندگی، شیوه اندیشیدن، تولید و باز تولید، مصرف، تجارت، مدیریت، جنگ، صلح و آرامش را در جهان متحول کرده است. دو عامل مهم، یعنی آشنایی مردم با رویدادها، حوادث اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و پیشرفت لحظه ای فن آوری ارتباطات جمعی در سراسر دنیا، درک نوینی از خردورزی، آزاد اندیشی و مسایل حقوق بشری را پدید آورده اند و همین مسایل و از قبل آن باعث شده که مردم در مقابل برخی از رویدادها واکنش های متفاوتی از خود نشان دهند، لذا در چنین وضعیتی، شناخت افکار عمومی و نقش آن از جایگاه والایی برخوردار است (دادگران، ۱۳۹۳: ۷). چرا که تاثیر گذاری آن را بر حوادث مختلف و از جمله نظام کیفری، نمی توان نادیده گرفت، بلکه تاثیر آن در برخی از جریان ها به حدی بوده که در بسیاری از موارد خط مشی سیاست کیفری، نحوه مقابله و اعمال مجازات یک پدیده مجرمانه را افکار عمومی تعیین کرده و باعث واداشتن قانون گذار و مجریان قانون به اجرای قانون و اعمال اشد مجازات شده است.

بدیهی است، افکار عمومی هر جامعه از ترکیب و تلفیق دیدگاه های فردی و گروهی در بافت فرهنگی جامعه شکل می گیرد و متحول می شود (صالحی، میرخلیلی و موسوی مجاب، ۱۳۹۸: ۱۰۶-۱۰۵) به عبارت دیگر، هر جامعه، نوع فکری و عقیدتی مخصوص به خود را دارد و واکنش های جمعی خاص خود را نشان می دهد. ماهیت افکار عمومی از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی از زمانی به زمان دیگر در یک جامعه تفاوت دارد (سووی، ۱۳۵۴: ۲۷) و وجود چنین تفاوت هایی نشان دهنده تغییر مفهوم افکار عمومی در گذر زمان است. در گذشته و در مفهوم سنتی، افکار عمومی در سطح خرد تصور می شد، اما امروزه افکار عمومی از آن مفهوم سنتی فاصله عمیقی گرفته و به عنوان ضمیر باطنی و پنهان اجتماعی در مقابل حوادث جامعه شناخته شده و به عنوان عاملی مهم به حساب می آید. ممکن است در یک جامعه ای، مساله ای که قبلاً هیچ توجهی را بر نمی انگیخت، در حال حاضر به عنوان موضوعی مهم و قابل بحث در محافل عمومی تبدیل شود. (قربانی، بیگی و پورقهرمانی، ۱۳۹۸: ۹۸) پس با این وصف بررسی افکار عمومی مستلزم شناخت فضایی است که در آن شکل می گیرد.

گستره افکار عمومی به حدی است که شامل تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر همه اشخاص، مؤسسات، سازمان‌ها و گروه‌هاست، از همین روی به تدریج نه تنها نظام‌های سیاسی بلکه سیاست‌گذاران جنایی را نیز به سمت شناخت و بهره‌گیری از آن سوق داده و این مساله در همه نظام‌های حقوقی دنیا و از جمله نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با درجات کم و زیاد وجود دارد و اغلب بر این امر واقفند که بی‌توجهی به افکار عمومی در سیاست‌های کیفری نمی‌تواند چندان پایدار و مستحکم باشد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۲۵). بنابراین پذیرش آن هر چند به صورت مقطعی، می‌تواند عامل مهمی برای ترسیم هرچه بهتر سیاست کیفری و مساله قانون‌گذاری به حساب آید. لذا اشخاصی که وظیفه قانون‌گذاری را بر عهده دارند، باید بر این مساله واقف باشند که وظیفه آن‌ها تدوین و وضع قوانین برای مردم است، لذا باید توجه داشته باشند که به چه نحوی از انحاء دیدگاه‌های مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند و از این طریق و مثل آن، برخوردهای احساسی و هیجانی مردم را تحت کنترل درآورند و افکار عمومی را افناع نمایند.

توجه به افکار عمومی حتی در تعیین مبنا و ملاک جرم‌انگاری می‌تواند دارای نتایج مثبت یا منفی باشد. از یک سو، افکار عمومی در هر جامعه انتظار دارد که خواسته‌ها و مطالباتش مورد توجه مسئولین قرار گیرد. بنابراین هنگامی که اعضای یک جامعه، احساس کنند خواسته‌های آنان مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته و در قانون متجلی شده، بیشتر نسبت به آن انس و الفت پیدا می‌کنند و این را بزرگ‌ترین ضامن ثبات و مشروعیت یک نظام حقوقی و حتی سیاسی می‌دانند. از سوی دیگر، گرچه تشکیل و وجود یک جامعه ایده‌آل که در آن افراد به خودی خود و بدون وجود ضمانت‌اجراهای قانونی، پایدها و نیایدهایی که هر جامعه برای ادامه حیات خود تشخیص می‌دهد را رعایت کنند، مشکل است، اما نکته مهم آن است که، نقش وجدان درونی افراد (پلیس درونی) در پایبندی به قانون اگر بیشتر از ضمانت‌اجراهای قانونی (پلیس بیرونی) نباشد، کمتر نیست. بنابراین در آن نوع از قانون‌گذاری، که افکار عمومی را بیش از حد مورد توجه قرار می‌دهد، علیرغم نتایج و آثار مثبتی که به همراه دارد، همواره در معرض یک خطر بزرگ است و آن اینکه، دچار پدیده عوام‌گرایی کیفری^۱

نوبه خود می‌تواند، جنبه‌ای منفی برای یک نظام حقوقی تلقی شود و به جای پیگیری اهداف و فلسفه کیفر و توجه به محدودیت‌ها و پیامدهای به کارگیری کیفر، به جلب افکار عمومی یا جهت‌دهی یا فریب دادن آن توجه نماید. (رابرتز، استالانز، ایندرمار و هاف، ۱۳۹۲: ۲۷). بنابراین توجه به سیاست‌های کیفری عوام‌پسند، بدون اعتنا به یافته‌های علمی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها، فاقد مبنای علمی است.

بنابراین اگر سیاست کیفری بر آن باشد تا به افکار عمومی توجه داشته باشد، خواه و ناخواه به سمت یک رویکرد پوپولیستی یا عوام‌گرایانه سوق داده می‌شود (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۱۱) و این موضوعی است که در چند قرن اخیر شاهد آن بوده‌ایم و احساس می‌شود روز به روز هم بر میزان این تأثیر افزوده شود. چرا که، به محض ارتکاب جرایمی که افکار عمومی خود را درگیر آن می‌بیند واکنش اولیه‌اش نسبت آن رویداد مجرمانه معمولاً سخت‌گیرانه است و پاسخ‌های قضایی را خفیف و ناعادلانه می‌داند (کیجسر، کوپن و الفرس^۱، ۲۰۰۷: ۱۶۱-۱۳۱) و خواهان برخورد شدید، فوری و آنی مراجع ذیربط بوده و به تبع آن نیز، مقنن بارها به شیوه‌ای احساسی و غیرکارشناسانه نسبت به وضع قوانین و یا متروک تلقی کردن آن‌ها در مقام عمل صرفاً جهت اقناع و کسب رضایت افکار عمومی اقدام نموده است. همین مساله باعث سیطره فضای احساسی بر گفتمان منطقی و علمی به ویژه پس از وقایع مجرمانه حساسیت برانگیز شده و بازنمایی رسانه‌ای اغراق‌آمیز آن، بسترهای مناسبی را برای ظهور اندیشه‌های عامه‌پسند فراهم می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۵۲-۴۳) و این نشان دهنده تأثیر چشمگیر افکار عمومی در برخی از موارد بر سیاست کیفری ایران می‌باشد. با در نظر موارد مذکور و وقایع چند سال اخیر که افکار عمومی در برخی از پرونده‌ها جایگاه خویش را بیش از پیش در راستای تاثیرگذاری بر محاکم کیفری تثبیت نمود، می‌توان گفت، افکار عمومی یک متغیر مهم در شکل‌دهی و اتخاذ تصمیم و واکنش از سوی محاکم کیفری نسبت به بزه و بی‌نظمی است. در بسیاری از موارد، محاکم کیفری، ناگزیر به تمکین از خواست افکار عمومی شده و برای اقناع و راضی نگه داشتن آن‌ها واکنش‌های فوری را نشان داده‌اند. مثلاً در پرونده قتل آتنا اصلانی در استان

1. Keijser, Koppen, & Elffers

اردبیل^۱، قتل روح‌اله داداشی در تهران^۲، قتل در میدان کاج تهران^۳ و ... از آن جمله پرونده‌هایی هستند، که نشان دهنده جایگاه افکار عمومی در تاثیرگذاری بر محاکم کیفری است. افکار عمومی در همه این پرونده‌ها و مشابه آن‌ها با انجام اعتراض‌های عمومی و تجمع در مقابل مراجع قضایی شهرستان و مراکز استان، توانسته است به خواست خویش، یعنی رسیدگی فوری و اعمال مجازات‌های شدید نسبت به متهمان، برسد. وجود این بحث‌های چالش برانگیز، ضرورت بررسی این پژوهش را نشان می‌دهد. بنابراین با این اوصاف، ما در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم، افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست‌اندرکاران عدالت کیفری از چه جایگاهی برخوردار است؟

۱. چهارچوب نظری پژوهش

امروزه افکار عمومی مورد مطالعه متفکران و پژوهشگران علوم مختلف قرار گرفته است. با مذاقه در چند دهه اخیر، مشاهده خواهد شد که افکار عمومی بیش از پیش بر سیاست کیفری تاثیرگذار بوده و خود را به عنوان یکی از مباحث مهم در حوزه عدالت کیفری مطرح نموده است. اصطلاح افکار عمومی به معنای امروزی آن، نخستین بار توسط «ژاک نکه»^۴ وزیر دارایی لویی شانزدهم در آغاز انقلاب فرانسه مطرح شد،

۱. این پرونده با فشار افکار عمومی روبرو شد، در نهایت روند رسیدگی و اجرای حکم، چیزی کمتر از سه ماه بود. (قتل در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۹۶ و اجرای حکم در ۲۹ شهریور ماه همان سال)
بازتاب خبری در پایگاه خبری میزان به نشانی:

<https://www.mizanonline.com/fa/news/350497>

۲. این پرونده نیز با فشار افکار عمومی همراه بود، در نهایت حکم ظرف مدت ۲ ماه اجرا شد... (قتل در ۲۶ تیر ماه ۱۳۹۰ و اجرای حکم در ۳۰ شهریور ماه همان سال)
بازتاب خبری در پایگاه خبری فارس به نشانی:

<https://www.farsnews.ir/news/13900630000043>

۳. پرونده میدان کاج تهران نیز به همان شکل تحت تاثیر فشار افکار عمومی مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گرفت. در زمان اجرا حدود ۱۵ هزار نفر از شهروندان تهرانی حضور داشتند و فریاد نیروی انتظامی تشکر تشکر و قوه قضاییه تشکر تشکر را سر دادند. (قتل در ۶ آبان ماه ۱۳۸۹ و اجرای حکم در ۱۵ دی ماه همان سال)
بازتاب خبری در پایگاه خبری تابناک به نشانی:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/140526>

4. Jacques Neck

او این ترکیب را به منظور بازگو کردن علت رویگردانی سرمایه‌گذاران از بورس بکار برد. افکار عمومی برای او «روح جامعه» و میوه ارتباط گسست‌ناپذیر بین انسان‌ها به حساب می‌آید. او می‌گفت «افکار عمومی قدرت‌ناپیدایی است که بی‌گنج و بی‌محافظ و بی‌ارتش، برای شهر و برای دربار و حتی برای قصر پادشاهان قانون وضع می‌کند» (لازار، ۱۳۹۵: ۷). افکار عمومی نیرویی است که شرایط و معیار آن در قانون اساسی هیچ‌کسوری به صراحت پیش‌بینی نشده است، اما یکی از نیروهای تأثیرگذار در سیاست‌گذاری دولت‌ها در زمینه‌های مختلف و به خصوص سیاست‌گذاری کیفری به حساب می‌آید که انکار آن نتایجی نظیر: عدم مقبولیت قانون و مشکل در اجرای آن را به دنبال خواهد داشت. به قول ژرژ گالوپ^۱: «قضاوت توده‌ها در اصل اساسی‌تر و غالباً بهتر از قضاوت قانون‌گذاران است». ایشان در سال ۱۹۶۴ گفتند: «اگر مردم حقایق را بدانند، عاقلانه‌تر قضاوت می‌کنند، کوهی از مدرک و شواهد، درستی این اندیشه را ثابت می‌کند» (دادگران، ۱۳۹۳: ۸). پس افکار عمومی در واقع قضاوتی است که مورد قبول عامه مردم است که جنبه احساسی نیز دارد و ممکن است غلط باشد، ولی واقعیت دارد. نیرویی جمعی است که قادر به اعمال فشار است (بینزر هوبلوت، کلمسن^۲، ۲۰۰۵: ۳۸۰). افکار عمومی متعلق به یک دسته یا گروه خاص نیست، بلکه عامه مردم در آن دخیل هستند و حضور همه اقشار مختلف جامعه شرط حصول آن به شمار می‌آید.

افکار عمومی یک عامل واحد و مستقل نیست، بلکه عاملی است که با دیگر عوامل پیوند نزدیک دارد. اقلیت و اکثریت، وضعیت‌های تنشی، تبلیغات، رسانه‌های گروهی، قوانین اجتماعی هر یک در کم و کیف دخالت مردم در سرنوشت خود تأثیر می‌گذارند (لازار، ۱۳۹۵: ۱۲) و این دخالت زمانی رخ می‌دهد که احساسات عمومی تهییج و احساس ناامنی در بین افکار عمومی به وجود آید.

ژان ژاک روسو^۳ که وی را پدر افکار عمومی مدرن نامیده‌اند، بر این باور بود که همه قوانین بر اساس افکار عمومی بنا نهاده شده‌اند که این امر ضرورتاً قوای دولت را تضعیف نمی‌کند. بنابراین کسی که وظیفه تعیین قانون برای مردم را بر عهده دارد، باید

1. Georges Gallup
2. Binzer Hobolt, Klemmensen
3. Jean Jacques Rousseau

آگاه باشد که به چه نحوی می‌تواند دیدگاه‌های مردم را تحت تاثیر قرار دهد و احساسات آن‌ها را کنترل نماید (دادگران، ۱۳۹۳: ۲۵).

یورگن هابرماس^۱، اندیشمندی عقل‌گراست، از این رو جامعه بهتر را جامعه عقلانی‌تر، یعنی مبتنی بر نیازهای جمعی، نه قدرت خودکامه و استبدادی می‌داند. او معتقد است، مفهوم عقلانیت در جامعه صنعتی مدرن غربی، در شکل مخرب آن یعنی میل به تسلط بر طبیعت و افراد از طریق علم و تکنولوژی به کار رفته است (عقلانیت ابزاری). این در حالی است که عقلانیت فرهنگی همگام با عقلانیت ابزاری رشد نکرده است. ایده هابرماس در مورد افکار عمومی در همین راستاست. او تحلیل خود را از ریشه‌های شکل‌گیری حوزه عمومی آغاز می‌کند و بر این باور است، ایجاد جامعه مدنی و در نتیجه حوزه عمومی ریشه در غیرشخصی کردن دستگاه حکومت دارد. (سبکتکین، ۱۳۸۶: ۴۷)

پژوهشگران مکتب شیکاگو نیز در مورد افکار عمومی، نظراتی را ارائه کرده‌اند. «چارلز هورتون کولی»^۲ یکی از صاحب‌نظران این مکتب، بر این عقید است که افکار عمومی حاصل جمع قضاوت‌های فردی اکثریت نیست، بلکه قضاوت تبلور یافته همه اشخاص مستقل، جدا از تعلق آن‌ها به اکثریت یا اقلیت است. یعنی حاصل جمع ساده نظر افراد جدا از هم نیست، بلکه یک سازمان مبتنی بر ارتباط و تاثیر متقابل است. «جان دیویی»^۳ یکی دیگر از متفکران این مکتب، اعتقاد داشت که افکار عمومی زاینده زندگی جمعی است. به نظر او، نقش فعال افراد در جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت که این مساله خود باعث تشکیل افکار عمومی خواهد شد (لازار، ۱۳۹۵: ۷۶)

به هر حال آنچه در عصر حاضر مشاهده می‌گردد، قدرت تاثیرگذاری افکار عمومی بر موضوعات مختلف از جمله مباحث و موارد مربوط به حوزه عدالت کیفری است. در واقع افکار عمومی روز به روز به انسجام و عینیت بیشتری می‌رسد و خود را به عنوان یک بازیگر و نیروی تاثیرگذار مطرح می‌نماید که لازم است در موضوعات مختلف، این میزان تاثیرگذاری مورد بررسی قرار بگیرد. بنابراین پژوهش حاضر در پی آن است که ضمن بررسی

1. Jurgen Habermas
2. Charles Horton Cooley
3. John Dewey

جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست اندرکاران نظام عدالت کیفری از رهگذر مطالعه میدانی و با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه و تحلیل آماری، در راستای پرسش و فرضیه‌های پژوهش حاضر، نتایجی حاصل و پیشنهادهایی را ارائه نماید.

۲. پیشینه تحقیق

عزیزی، میرخلیلی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «ارتباط نظریه قوچ قربانی و عوام‌گرایی کیفری و تاثیر آن بر سیاست کیفری ایران» ضمن تاکید بر این مساله که یکی از وظایف مهم و اساسی دولت‌ها، تامین امنیت شهروندان است، به این موضوع اشاره نموده‌اند که وقوع جرایم در هر جامعه‌ای، تهدیدی جدی علیه نظم و امنیت تلقی می‌شود و موجب نارضایتی شهروندان از عملکرد دولت در انجام وظایفش می‌گردد. در این راستا دولت و مقامات عدالت کیفری به دلیل عدم انجام وظایف واقعی خود در زمینه مقابله با ریشه‌های جرم، با فرافکنی و ایجاد یک قالب ذهنی و تصویر کلیشه‌ای از بزهکار، به مردم چنین القاء می‌کنند که عامل سلب امنیت آنان، مجرمانی هستند که با ارتکاب جرم، امنیت عمومی را به خطر انداخته و می‌بایست با اعمال تدابیر و مجازات‌های سخت‌گیرانه به طرد و حذف آنان از پیکره اجتماع اقدام نمود. طاهری‌شاد، شامبیاتی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «پیامدهای سیاست کیفری عوام‌گرا در جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان» اعتقاد دارند، امروزه بیش از گذشته شاهد قربانی جنسی شدن اطفال و نوجوانان هستیم. صرف‌نظر از روند روبه رشد این جرایم، می‌توان یکی از دلایل آن را پیشرفت و سهولت دسترسی به وسایل ارتباط جمعی دانست که بخش همیشه تاریک و پنهان این نوع بزه‌دیدگی را تا حدودی به حداقل رسانیده و از رقم سیاه آن کاسته است. هنگامی که جرایم بواسطه‌ی ادبیات ژورنالیستی و قلم‌های پرمخاطب و احساسی رسانه‌ها پردازش می‌شوند، علاوه بر ایجاد ترس و هراس در بطن جامعه، افکار تهییج شده عموم که دارای انتظارات و مطالباتی است را با خود همراه می‌کند. در این برهه زمانی خواست مردم، سرعت در رسیدگی و اجرای هر چه سریع‌تر و شدیدتر واکنش می‌باشد.

احمدی، قماش (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری» معتقد هستند که شاکله سیاست‌گذاری جنایی کارآمد در گرو سلامت

و عادلانه بودن دادرسی کیفری است. از طرفی مداخله ساخت سیاسی در سیاست‌گذاری جنایی، قابل‌اجتناب نیست. سیاست‌گذاران از این مزیت (مداخله) برای کسب مقبولیت مردمی بهره‌برداری نموده و دیدگاه‌های عموم را منطبق با خواسته‌هایشان جهت‌دهی می‌کنند که به «عوام‌گرایی کیفری» منتهی شده است. پیدایش چنین رویکردی، مستلزم وجود بسترهای ویژه و بهره‌مندی از کارکردشان در جهت نامطلوب است.

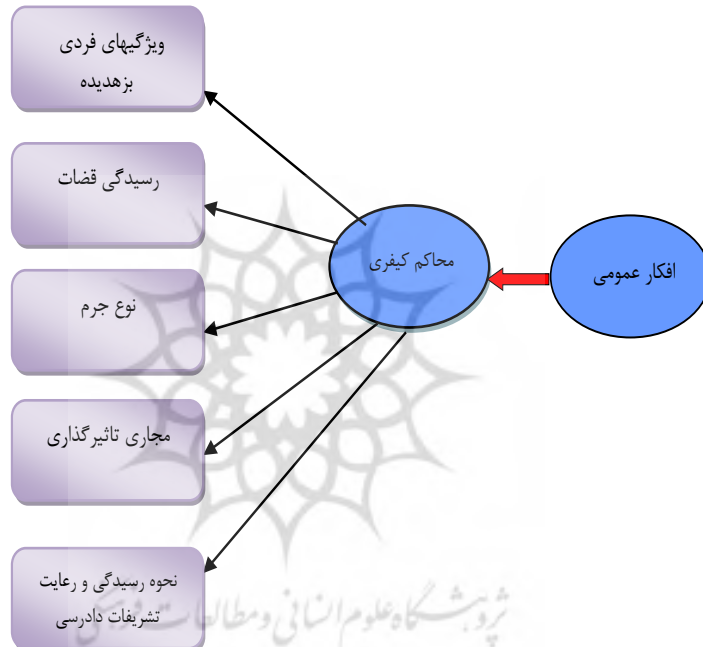
نره‌ئی (۱۳۹۵) در کتاب «کیفرهای توده‌گرا و بازتاب آن در نظام کیفری ایران» اشاره نموده، که اعتماد مردم از گران‌بهاترین سرمایه‌های حکومت‌ها به حساب می‌آید، لذا حاکمان در تلاش‌اند با سیاست‌گذاری‌های گوناگون، اعتماد مردم را جلب کنند. این مهم در حکومت‌های پوپولیستی به صورت کسب اعتماد تبدیل به ابزار و شعار برای توجیه سیاست‌های غیرکارشناسی می‌شود، تا جایی که چنین حاکمانی برای رسیدن به اهداف‌شان از هر نوع وسیله‌ای استفاده می‌کنند. ایشان اعتقاد دارد که فرآیند نفوذ افکار پوپولیستی، رشد فزاینده‌ای دارد، آن قدر که طی چند دهه اخیر جرم-شناسان سخن از سیاست‌های کیفری عوام‌گرا به میان آورده‌اند.

شیدائیان، رجبی سلمان (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «بزه دیده و عوام‌گرا شدن سیاست کیفری» معتقدند که بزه‌دیده به شکل‌های مختلف موجب ایجاد عوام‌گرایی کیفری می‌شود. ترس از جرم و نگرانی عمومی از آن به‌نوعی سخت‌گیری کیفری عوام‌گرا را تشدید می‌کند. اغلب جرائمی با بزه‌دیدگان خاص (از حیث سن و جنسیت) توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را بیشتر جلب می‌کند. بنابراین، این جرائم بیشتر موجب برانگیختگی احساس عمومی و تاثیر آن بر سیاست جنایی می‌شود. بزه‌دیدگان با بیان توقعاتی که از نظام عدالت کیفری دارند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در فرایند کیفری شرکت می‌کنند. از این طریق نیز بزه‌دیدگان می‌توانند موجب جهت‌دهی سیاست جنایی به‌سوی عوام‌گرایی شوند. جعفری، احمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست محیطی» به آسیب‌های غیرقابل‌جبران بشر، به محیط زیست اشاره نموده‌اند و معتقدند که بدین سان قانون‌گذاران کشورهای مختلف در حوزه تقنین به امر سیاست‌گذاری برای مبارزه و پیشگیری از این آسیب‌ها می‌پردازند. آن‌ها بر این باورند که متولیان سیاست‌گذاری جنایی در همه امور و به خصوص در حوزه محیط زیست ناگزیرند که سیاست‌های منطقی اتخاذ کنند تا محیط

زیست به زوال نرود، اما گاه متولیان نام برده بدون در نظر گرفتن مولفه‌های پیش گفته، در عرصه سیاست گذاری به سمت سیاست‌های عوام‌گرا یا پوپولیستی سوق پیدا می‌کنند. دادگران (۱۳۹۳)، در کتاب «افکار عمومی و معیارهای سنجش آن»، به مفهوم و ماهیت افکار عمومی و فرآیند شکل‌گیری آن اشاره نموده و معتقد است که افکار عمومی قدرت ناپیدایی است که توانایی وضع قوانین را برای شهرها و دولت‌ها و دبارها را دارد و به مثابه دادگاهی می‌ماند که خواهان مجازات مجرمین است. خزائی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان «نقش و تاثیر افکار عمومی بر سیاست جنایی»، پس از مفهوم‌شناسی واژگان اساسی تحقیق، به بررسی سیاست جنایی ایران و اسلام پرداخته و در نهایت افکار عمومی و سیاست جنایی و تاثیر آن‌ها را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که دموکراسی ایجاب می‌نماید رهبران سیاسی همواره به احساسات مردم و خواسته‌های آنها توجه داشته باشند و این مساله را در سیاست‌گیری‌های خویش دخیل بدانند. مقدسی، فرجیها (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا، مطالعه تطبیقی» به تحلیل مساله عوام‌گرایی کیفری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌های کیفری عوام‌گرایانه معمولاً سخت‌گیرانه، عامه‌پسند، نمایشی و احساسی بوده و فاقد مبنای نظری و علمی است.

مرادی حسن آباد (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان «تاثیر افکار عمومی بر ابقا یا الغای کیفر اعدام در غرب» به تعریف افکار عمومی و کیفرگرایی، عوامل موثر بر شکل‌گیری افکار عمومی اشاره نموده و همزمان به تاثیر افکار عمومی بر وضعیت کنونی اعدام در غرب و ایران پرداخته است و اشاره‌ای به جایگاه افکار عمومی در نظام حقوق کیفری ایران نکرده است. محمودی جانکی، مرادی حسن آباد (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان «افکار عمومی و کیفرگرایی»، به این نتیجه رسیده‌اند که کیفرگرایی، نه یک مقوله ساده و بسیط، بلکه پیچیده و چند بعدی است و تا حدی تحت تاثیر ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها و شیوه انجام پیمایش افکار عمومی نیز قرار دارد. مقدسی (۱۳۹۰)، در رساله دکتری حقوق گرایش حقوق کیفری و جرم‌شناسی با عنوان «عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران»، پس از مفهوم‌شناسی، ویژگی‌های عوام‌گرایی کیفری و بسترهای ظهور آن به جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست کیفری اشاره نموده و به این نتیجه رسیده است که جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری عموماً در سیاست کیفری جرایم جنسی، جرائم خشونت بار، مواد مخدر، بزهکاری نوجوانان و مفاسد اقتصادی متجلی شده است.

دقت در عناوین و حتی نتایج پژوهش‌های مذکور، نشان از آن دارد که هیچ یک از آن‌ها به بررسی جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری نپرداخته‌اند، بلکه هر کدام به شیوه‌ای متمایز از پژوهش حاضر، افکار عمومی را بررسی نموده‌اند. به همین سبب این پژوهش با آن‌ها متفاوت بوده و نتایج جدیدی را هم در این خصوص ارائه می‌دهد.



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

۳. روش‌شناسی تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و در عین حال پیمایشی شکل یافته است، بر حسب ماهیت و روش پژوهش، جهت گردآوری اطلاعات از دو شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی بهره گرفته شده است. در شیوه میدانی، با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه محقق ساخته با مکانیزم پرسشگری مستقیم، پرسش‌های بسته و چند گزینه‌ای -از نوع طیفی یا درجه‌بندی- مطرح شده است و پاسخ‌دهندگان، به تکمیل پرسشنامه یاد شده پرداخته‌اند.

۴. جامعه آماری، حجم نمونه آماری و شیوه نمونه گیری

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، جزء تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دست‌اندرکاران عدالت قضایی (وکلا، قضات و اساتید معتبر دانشگاه) می‌باشد. شایان ذکر است، در این زمینه قضات و وکلایی که درگیر پرونده های حساس کیفری بودند و هم‌چنین اساتید معتبر و سرشناس حوزه کیفری، به عنوان جامعه آماری، مد نظر محقق قرار داشته‌اند.

نمونه آماری پژوهش حاضر از نوع نمونه مستقل می‌باشد. وقتی نمونه گیری ها در دو یا چند جامعه متفاوت و یا در یک جامعه، اما در زمان های گوناگون و با شرایط مختلف انجام شده باشند، این نمونه را مستقل گویند (دلاور، ۱۳۸۵: ۱۳ به نقل از موسوی مجاب، بشری، ۱۳۹۹: ۲۵۶). در پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده، ۸۴ نفر از دست‌اندرکاران عدالت قضایی (وکلا، قضات و اساتید معتبر دانشگاه) انتخاب شدند.

۵. اعتباریابی ابزار تحقیق (روایی و پایایی پرسشنامه)

در این تحقیق جهت بررسی روایی پرسشنامه از روش بررسی روایی ظاهری بهره گرفته شده است و از روش آلفای کرونباخ که یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های سنجش میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری در نرم افزار spss است جهت سنجش پایایی پرسشنامه استفاده شده است که میزان آن $0/88$ می‌باشد که نشان دهنده پایایی مناسب ابزار تحقیق است.

۶. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از دو روش، آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدین ترتیب که ابتدا در مرحله اول، برای توصیف متغیرهای تحقیق و متغیرهای جمعیت شناختی پاسخگویان، از جدول‌های توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های مربوط استفاده گردید و سپس در مرحله بعدی، سوالات و فرضیه‌های تحقیق براساس نتایج به دست آمده از بررسی سوالات، با استفاده از آمار استنباطی مورد آزمون قرار گرفته تا رد یا تأیید شود. لازم به ذکر است که برای بررسی

نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف (K-S) و جهت تجزیه و تحلیل داده‌های بخش آمار استنباطی از آزمون T تک نمونه ای تحت نرم افزار spss استفاده شده است.

۷. یافته‌های تحقیق

جدول ۱. توصیف سیمای جامعه آماری تحقیق

اطلاعات جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت		
مرد	۵۹	٪۷۰/۲
زن	۲۵	٪۲۹/۸
تحصیلات		
کارشناسی	۲	٪۲/۴
کارشناسی ارشد	۱۵	٪۱۷/۹
دانشجوی دکتری	۳۵	٪۴۱/۷
دکتری تخصصی	۳۲	٪۳۸/۱
سن		
۲۵-۳۳ سال	۲۷	٪۳۲/۱
۳۴-۵۴ سال	۵۱	٪۶۰/۷
۵۵-۷۵ سال	۶	٪۷/۱
سابقه کار		
۵-۱۰ سال	۲۱	٪۲۵
۱۱-۱۵ سال	۴۰	٪۴۷/۶
۱۶-۲۰ سال	۱۱	٪۱۳/۱
۲۱-۳۰ سال	۱۲	٪۱۴/۳
شغل		
استاد دانشگاه	۲۹	٪۳۴/۵
قاضی دادگستری	۱۸	٪۲۱/۴
وکیل	۳۷	٪۴۴
جمع	۸۴	٪۱۰۰

برابر جدول ۱، جنسیت افراد نمونه آماری پژوهش، تعداد ۵۹ نفر از پاسخگویان (معادل ۷۰ درصد) مرد و ۲۵ نفر (معادل ۳۰ درصد پاسخگویان) زن می‌باشند. در ارتباط با متغیر تحصیلات، ۲/۴ درصد از پاسخگویان (۲ نفر) کارشناسی، ۱۷/۹ درصد از

پاسخگویان (۱۵ نفر) کارشناسی ارشد، ۴۱/۷ درصد از پاسخگویان (۳۵ نفر) دانشجوی دکتری تخصصی و ۳۸/۱ درصد از پاسخگویان (۳۲ نفر) دکتری تخصصی هستند. در متغیر سن، ۳۲/۱ درصد از پاسخگویان (۲۷ نفر) بین ۲۵-۳۳ سال، ۶۰/۷ درصد از پاسخگویان (۵۱ نفر) بین ۳۴ تا ۵۴ سال و ۷/۱ درصد از پاسخگویان (۶ نفر) بین ۵۵ تا ۷۵ سال سن دارند. در بین پاسخگویان در ارتباط با متغیر سابقه کار، ۲۵ درصد از پاسخگویان (۲۱ نفر) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۴۷/۶ درصد از پاسخگویان (۴۰ نفر) ۱۱ تا ۱۵ سال، ۱۳/۱ درصد از پاسخگویان (۱۱ نفر) بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۱۴/۳ درصد از پاسخگویان (۱۲ نفر) بین ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه کار دارند. هم چنین ۳۴/۵ درصد از پاسخگویان (۲۹ نفر) استاد دانشگاه، ۲۱/۴ درصد از پاسخگویان (۱۸ نفر) قاضی دادگستری و ۴۴ درصد از پاسخگویان (۳۷ نفر) وکیل هستند.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرها

متغیرها	آماره - کلوموگروف- اسمیرنوف	سطح معناداری
ویژگیهای فردی	۱/۱۵۸	۰/۱۳۷
نوع جرم	۰/۱۳۴	۰/۱۴۰
مجاری تاثیرگذاری	۰/۳۲۵	۰/۰۶۰
جریان رسیدگی	۰/۲۶۰	۰/۰۷۲
دیدگاه قضات	۱/۱۱۰	۰/۲۰۱

از آنجایی سطح معنی داری (P-Value) بدست آمده برای کلیه متغیرها، بزرگ تر از ۰/۰۵ است، بنابراین متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی کنند، لذا بر این اساس، محقق می تواند از آزمون های پارامتریک، جهت سنجش سؤالات تحقیق استفاده کند، به همین دلیل برای بررسی فرضیه ها و تجزیه و تحلیل داده ها، از آزمون های تی تک نمونه ای استفاده شده است.

فرضیه اول: ویژگی‌های فردی بزه دیده بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد.

جدول ۳. آزمون تی تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین یک جامعه

مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
				حد پایین	حد بالا
۹/۳۵۸	۸۳	۰/۰۰۰	۰/۴۵	۰/۳۵۷	۰/۵۵۰
تاثیر ویژگی‌های فردی بزه‌دیده بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری					

از آنجایی که سطح معناداری مشاهده شده ($\text{sig} = 0/000$) از مقدار مفروض $0/05$ کوچک‌تر است و t بدست آمده از آزمون ($t = 9/358$) بیشتر از t محاسبه شده از جدول بحرانی ($t = 1/66$) می‌باشد و از آنجا که حد پایین و بالا برای این متغیر مثبت می‌باشد. این به معنای بزرگ‌تر بودن میانگین این متغیر از عدد ۳ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض تحقیق تایید می‌گردد. به عبارتی، می‌توان گفت که ویژگی‌های فردی بزه‌دیده بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد. از نظر اکثریت پاسخگویان، میزان تاثیرپذیری محاکم کیفری از افکار عمومی بر اساس ویژگی‌های فردی در حد متوسط به بالا می‌باشد. ارتکاب جرایم علیه زنان، کودکان و نوجوانان باعث این شده که افکار عمومی ناراضی‌تری خویش را نسبت به این مساله بروز دهد و دستگاه عدالت کیفری نیز برای اعاده نظم و آرامش جامعه، کسب مشروعیت و مقبولیت عمومی، ناگزیر تمکین نموده و ترازوی عدالت را عوام‌گرایانه جلوه دهد.

فرضیه دوم: افکار عمومی بر رسیدگی های قضات در محاکم کیفری تاثیر دارد.

جدول ۴. آزمون تی تک نمونه ای برای مقایسه میانگین یک جامعه

مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
				حد پایین	حد بالا
۹/۹۳۴	۸۳	۰/۰۰۰	۰/۱۳۷	۰/۰۶۸	۰/۲۰
تاثیر افکار عمومی بر رسیدگی های قضات در محاکم کیفری					

از آن جایی که سطح معناداری مشاهده شده ($\text{sig} = 0/000$) از مقدار مفروض $0/05$ کوچک تر است و t بدست آمده از آزمون ($t = 3/934$) بیشتر از t محاسبه شده از جدول بحرانی ($t = 1/66$) می باشد و از آن جا که حد پایین و بالا برای این متغیر مثبت می باشد. این به معنای بزرگ تر بودن میانگین این متغیر از عدد ۳ است. لذا فرض صفر رد می شود و فرض تحقیق تایید می گردد. به عبارتی، می توان گفت که افکار عمومی بر رسیدگی های قضات در محاکم کیفری تاثیر دارد. از نظر قریب به اتفاق پاسخگویان، افکار عمومی بر رسیدگی های قضات در محاکم کیفری تاثیر دارد. دلیل این امر نیز، فشار افکار عمومی در برخی از پرونده ها، باعث شده که قضات، توجه خاصی به خواست افکار عمومی داشته باشند. لذا این مساله را در رسیدگی های تحت نظر خویش، مد نظر قرار می دهند.

فرضیه سوم: نوع جرم بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد.

جدول ۵. آزمون تی تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین یک جامعه

مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	
			حد پایین	حد بالا
۱۴/۷۲۵	۸۳	۰/۰۰۰	۰/۶۶۰	۰/۵۷۰
تاثیر نوع جرم بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری				

از آن جایی که سطح معناداری مشاهده شده ($\text{sig} = 0/000$) از مقدار مفروض $0/05$ کوچک تر است و t بدست آمده از آزمون ($t = 14/725$) بیشتر از t محاسبه شده از جدول بحرانی ($t = 1/66$) می باشد و از آن جا که حد پایین و بالا برای این متغیر مثبت می باشد. این به معنای بزرگ تر بودن میانگین این متغیر از عدد ۳ است. لذا فرض صفر رد می شود و فرض تحقیق تایید می گردد. به عبارتی، می توان گفت که نوع جرم بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد. از نظر اکثریت پاسخگویان، میزان تاثیرپذیری محاکم کیفری از افکار عمومی بر اساس نوع جرم در حد متوسط به بالا است. ارتکاب جرایم خشونت آمیز، جرایم جنسی، جرایم علیه محیط زیست، اختلاس، فساد اقتصادی، زمین خواری در جامعه، اغلب با واکنش افکار عمومی همراه بوده و آن ها خواستار رسیدگی فوری و انتظار اعمال اشد مجازات را داشته اند، این مساله در بیشتر موارد باعث تاثیرپذیری محاکم کیفری از افکار عمومی شده است.

فرضیه چهارم: مجاری تاثیرگذاری بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد.

جدول ۶. آزمون تی تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین یک جامعه

مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی
			حد پایین	حد بالا
۴/۴۷۲	۸۳	۰/۰۰۰	۰/۳۲۷	۰/۱۸۱
			۰/۴۷۳	

تاثیر افکار عمومی از طریق مجاری تاثیرگذاری بر محاکم کیفری

از آن جایی که سطح معناداری مشاهده شده ($\text{sig} = 0/000$) از مقدار مفروض $0/05$ کوچک تر است و t بدست آمده از آزمون ($t = 4/472$) بیشتر از t محاسبه شده از جدول بحرانی ($t = 1/66$) می باشد و از آن جا که حد پایین و بالا برای این متغیر مثبت می باشد. این به معنای بزرگ تر بودن میانگین این متغیر از عدد ۳ است. لذا فرض صفر رد می شود و فرض تحقیق تایید می گردد. به عبارتی، می توان گفت که مجاری تاثیرگذاری بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری تاثیر دارد. از نظر اکثریت پاسخگویان، میزان تاثیر مجاری تاثیرگذاری بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری در حد متوسط به بالا است. تجمعات مردمی مقابل مراجع قضایی، بهره گیری از رسانه‌ها و فضای مجازی جهت اعلام اعتراض، تشکیل کمپین‌های مختلف حمایتی از بزه‌دیدگان و خانواده آن‌ها و ... به عنوان مجاری که افکار عمومی از طریق توسل به آن‌ها، قادر به تاثیرگذاری بر محاکم کیفری است، دلیل تایید این فرضیه می باشد.

برآمد

در این پژوهش، جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آمار توصیفی نمونه آماری تحقیق نشان داد که: تعداد ۵۹ نفر از پاسخگویان (معادل ۷۰ درصد) مرد و ۲۵ نفر (معادل ۳۰ درصد پاسخگویان) زن می‌باشند. در ارتباط با متغیر تحصیلات، همان‌طور که در جدول مربوطه مشاهده شد، بیشتر پاسخگویان دانشجوی دکتری یا دارای مدرک دکتری بودند (جمعاً ۸۰ درصد). سن بیشتر پاسخگویان بین ۳۴ تا ۵۴ سال (۶۰/۷ درصد) بود. بیشتر پاسخگویان نیز سابقه خدمت بین ۵ تا ۱۰ سال (۴۷/۶ درصد) داشتند. هم‌چنین ۳۴/۵ درصد از پاسخگویان (۲۹ نفر) استاد دانشگاه، ۲۱/۴ درصد از پاسخگویان (۱۸ نفر) قاضی دادگستری و ۴۴ درصد از پاسخگویان (۳۷ نفر) وکیل بودند.

بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد که، داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند، در نتیجه از آزمون‌های پارامتریک برای تجزیه و تحلیل داده استفاده شد. نتایج تحقیق نیز نشان داد که:

فرضیه اول تحقیق، مبنی بر تاثیر ویژگی‌های فردی بزه‌دیده بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری مورد تایید قرار گرفت. این‌که ویژگی‌های شخصیتی بزه‌دیده قبل و بعد از ارتکاب رفتار مجرمانه چه تغییری خواهد کرد و چه سرنوشتی پیدا می‌کند، به‌طور گسترده‌ای مورد توجه افکار عمومی است. شخص بزه‌دیده امکان دارد با توجه به محیط اجتماعی که در آن پرورش یافته و یا محیطی که با آن در ارتباط است، به انواع مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی دچار شود و حتی فعالیت‌های عادی و روزمره وی نیز دچار اختلال شود. مدرسه، مهدکودک، مکان‌های عمومی و تفریحی، جمع‌دوستان و خویشاوندان، می‌تواند از مکان‌هایی اطلاع‌دهنده که فرد بزه‌دیده در آن جا کمتر نمایان شود و به طریقی رفتار وی در این‌گونه مکان‌ها مختل گردد. در نتیجه افکار عمومی چنین وضعی را برای فرد بزه‌دیده نادیده نگرفته و در صدد فشار بر محاکم کیفری است در جهت تسریع اعمال مجازات فرد یا افراد بزه‌کار می‌شود.

فرضیه دوم تحقیق، مبنی بر تاثیر افکار عمومی بر رسیدگی‌های قضات در محاکم کیفری مورد تایید قرار گرفت. تاثیرپذیری محاکم کیفری از افکار عمومی در

رسیدگی‌ها اشاره به عوام‌گرایی کیفری دارد. در حقیقت بر اساس آن، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به منظور جلب آرای عمومی، کسب مشروعیت و حمایت عامه مردم، بدون توجه به یافته‌های علمی، دیدگاه‌های نخبگان و معیار اثربخشی و کارآمدی، سیاست و برنامه‌هایی را تدوین و اجرا می‌کنند که در راستای انتظارات زودگذر و مقطعی مردم باشد. یعنی تزریق اراده و میل عمومی مردم در فرآیند کیفری، جهت جلب رضایت و کسب مشروعیت از سوی مردم و نه به هدف مبارزه با جرایم و اجرای دقیق عدالت. البته در مورد مسایل مهم و اساسی مانند جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان یا جرایم مربوط به عنف، این امر شدت و حدت بیش‌تری به خود می‌گیرد. در نتیجه در این موارد، قضات محاکم کیفری تاثیرپذیری بیش‌تری از افکار عمومی دارند.

فرضیه سوم تحقیق، مبنی بر تاثیر نوع جرم بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری مورد تایید قرار گرفت. نوع رفتار مجرمانه فاکتور مهمی برای تثبیت جایگاه افکار عمومی در نظام عدالت کیفری و درگیر شدن در پرونده‌ها و رسیدگی‌های کیفری به حساب می‌آید. بنابراین تمام تلاش سیاست کیفری در این گونه مسائل، برنامه‌ریزی برای کنترل هیجانات افکار عمومی در جهت جلب اعتماد، تامین، تایید، کسب مشروعیت و رضایت از سوی مردم و برقراری آرامش هر چند کوتاه و موقتی است. در نتیجه با توجه به نوع جرایم، ویژگی‌های آن، این گونه مسائل بیشتر مورد توجه و دقت افکار عمومی قرار می‌گیرد و از سوی محاکم کیفری با سرعت بیشتری رسیدگی می‌شود. قضات و محاکم کیفری نیز در نهایت با توجه به حساسیت مساله و کاهش تنش در جامعه، به سوی جلب رضایت افکار عمومی اقدام کرده و در صدور و اجرای مجازات سرعت عمل و دقت بیشتری به خرج می‌دهند تا به نوعی خود را هم جهت و هم‌سو با افکار عمومی نشان دهند.

فرضیه چهارم تحقیق، مبنی بر بررسی مجاری تاثیرگذاری بر جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری مورد تایید قرار گرفت. در بسیاری از جرایم مانند جرایم جنسی، که حساسیت بیشتری دارند، نوع جرم، شیوه انجام آن، ویژگی‌ها و میزان آسیب‌پذیری شخص بزه‌دیده، مورد توجه و تحلیل رسانه‌ها قرار می‌گیرد و آن‌ها با فرافکنی و بازنمایی اغراق‌آمیز چنین اخباری، افکار عمومی را به سمت برخورد‌های سخت‌گیرانه با بزهکاران تحریک می‌کنند که این مساله باعث نفوذ رویکردهای عوام‌گرایانه می‌شود. در این حالت نقش ارزیابی‌های علمی و تخصصی صاحب‌نظران و پژوهشگران در نظام عدالت کیفری به

حاشیه رانده شده و در عوض انتظارات عموم مردم برجسته و مهم تلقی می‌شود. قضات و محاکم کیفری نیز در زمینه برخورد و مقابله با چنین مجرمانی و آرام‌سازی جو جامعه، مجبور هستند سیاست‌های کیفری فوری اتخاذ و اجرا نمایند که این قضیه همانا خواست افکار عمومی است.

فرضیه پنجم تحقیق، مبنی بر تاثیر افکار عمومی بر نحوه رسیدگی و رعایت تشریفات دادرسی در محاکم کیفری مورد تایید قرار گرفت. جرایمی مانند اختلاس، تجاوز جنسی، جرایم علیه کودکان، مفاسد اقتصادی و... از جمله جرایمی هستند که عموم مردم حساسیت بسیار زیادی نسبت به ارتکاب آن‌ها دارند. واکنش‌های احساسی و هیجانی افکار عمومی در خصوص ارتکاب چنین جرایمی را می‌توان دلیلی بر اثبات این ادعا دانست. عموم مردم در خصوص مرتکبان چنین جرایمی، رسیدگی و اجرای مجازات فوری را از دستگاه عدالت کیفری خواستارند. بنابراین چنین عکس-العمل‌هایی باعث آن شده که دستگاه عدالت کیفری رسیدگی فوری را در دستور کار خویش قرار داده و رویکرد خویش را با افکار عمومی در این راستا هم‌سو نماید. در ارتباط به موضوع پژوهش و نتایج آن، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

پیشنهادهای کلی

- توجه دقیق و کارشناسانه به نگرش افکار عمومی در خصوص جرایمی که تا به حال نشانی از حساسیت عموم مردم را به همراه خود داشته‌اند. این مساله از این جهت مهم است که، زمینه‌ای برای شناسایی واکنش عمومی به این قبیل جرایم را نشان می‌دهد. بنابراین نظام عدالت کیفری به نوعی نسبت به پیش‌بینی نوع واکنش و حتی خواست افکار عمومی پی می‌برد و می‌تواند، پاسخ خویش را در قالب موازین قانونی، منطبق با خواست افکار عمومی هم‌سو نماید، بدون این که فضای جامعه ملتهب و افکار عمومی در صدد فشار بر محاکم کیفری بر بیاید.

- اغلب محققان حوزه عدالت کیفری که قلمرو کارهای پژوهشی خویش را منحصر به مطالعه و تحقیق در مورد اطفال و نوجوانان کرده‌اند، اعتقاد دارند که، اضطراب و حساسیت افکار عمومی، پیرامون نرخ رو به رشد جرایم، علیه این دسته از افراد، از یک سو، آگاهی اندک عموم مردم از نوع جرم و پاسخ‌های نظام عدالت کیفری با این مساله

و از سوی دیگر، فعالیت رسانه‌های مختلف در خصوص تحریف عقیده عموم مردم در این رابطه است. بطور کلی چون رسانه‌ها اطلاعات اغراق‌آمیز و نادرستی را به مردم ارائه می‌کنند، باعث یک واکنش سرکوب‌گرانه از جانب آن‌ها می‌شود. لذا از آنجا که در جرایم اطفال، افکار عمومی، هیچانی برخوردار می‌کنند، شایسته است که سیاست‌گذاران جنایی، علاوه بر فراهم سازی بستر مناسب برای آگاه سازی مردم با جرایم و نحوه پاسخ دستگاه عدالت کیفری، دخالت رسانه‌ها را نیز محدود و فعالیت آن‌ها را در قبال چنین مسایلی سازماندهی نمایند و از یک مجاری رسمی و قابل اعتماد برای آگاه سازی مردم از روند پرونده‌های حساس که افکار عمومی به نوعی خود را درگیر در آن می‌بیند، استفاده نمایند و هم‌چنین، متولیان سیاست جنایی قضایی، به خصوص قضات محاکم کیفری، افکار عمومی را مدیریت نمایند.

- جرایم جنسی، یکی دیگر از آن دسته جرایمی است که ارتکاب آن، به خصوص زمانی که به عنف صورت گرفته باشد، منجر به واکنش افکار عمومی می‌شود. بیشتر خشم‌های افراطی خیابانی و درخواست از دستگاه قضایی برای رسیدگی و اعمال مجازات فوری از سوی افکار عمومی در این مورد می‌باشد. عموم مردم اعتقاد دارند که، تاخیر در روند رسیدگی به پرونده، باعث خواهد شد عدالت به درستی اجرا نشود، بنابراین بدین شکل عکس‌العمل خویش را نشان می‌دهند. بنابراین لازم است سیاست‌گذاران جنایی در نظر داشته باشند، صدور حکم و اجرای آن به شکل فوری، صرفاً جهت اقناع افکار عمومی و متعاقب آن آرام سازی فضای جامعه، از نظر کاهش جرم، دستاورد کمی دارد و در عوض هزینه‌های سنگینی را در حوزه جهانی به نظام عدالت کیفری تحمیل می‌نماید و غالباً اصول قراردادی حقوق کیفری مانند تناسب جرم و مجازات و ... را نیز نقض می‌کند. لذا شایسته است به دنبال رویکرد جایگزین باشد تا علاوه بر رعایت اصول‌های اساسی حقوق کیفری، دادرسی منصفانه نیز محقق شود.

پشنهادهای جزئی

- شناسایی معیار تشخیص و تعیین حد و مرز برای افکار عمومی در قوانین کیفری.
- توانمندسازی قضات محاکم کیفری با آموزه‌های جامعه‌شناسی کیفری و سیاست جنایی مشارکتی، در جهت اثربخشی افکار عمومی، در فرآیند عدالت کیفری.

- سازماندهی افکار عمومی توسط سازمان های مردم نهاد، جهت فرهنگ سازی در زمینه مقابله با بزه و ناهنجاری.
- هماهنگ عمل کردن سیاست گذاری تقنینی، قضایی و اجرایی در بکار بستن شیوه های موثر و علمی در خصوص اقناع افکار عمومی.



منابع

الف) فارسی

۱. احمدی، انور و قماش‌سی، سعید (۱۳۹۷) «**بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری**»، فصلنامه تحقیقات حقوق معاهده، ۲(۴)، صص ۵۰-۱۱.
۲. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۳) **سلسله نشت‌های تازه‌های علوم جنایی**، دانشگاه شیراز.
۳. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲) «**حساس ناامنی و ترس از جرم**»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۰(۵)، صص ۱۸۰-۱۵۵.
۴. جعفری، امین و احمدی، اصغر (۱۳۹۴) «**عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست محیطی**»، فصلنامه اخلاق زیستی، ۵(۱۵)، صص ۹۹-۷۱.
۵. خزائی، علی (۱۳۹۲) **نقش و تاثیر افکار عمومی بر سیاست جنایی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
۶. دادگران، محمد (۱۳۹۳) **افکار عمومی و معیارهای سنجش آن**، تهران: انتشارات مروارید.
۷. رابرتز، جولیان وی و همکاران (۱۳۹۲) **عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی**، درس‌هایی از پنج کشور، ترجمه، باقری‌نژاد، زینب، رضوانی، سودابه، هژبرالساداتی، هایینه و کاظمی جویباری، مهدی، زیر نظر، نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین، تهران: نشر میزان.
۸. سبکتیکن، ندا (۱۳۸۶) **تاثیر افکار عمومی بر رعایت حقوق بشر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۹. سووی، آلفرد (۱۳۵۴) **افکار عمومی و اثر آن در زندگی اجتماعی**، ترجمه، شیمیرانی، جمال، تهران: سهامی کتاب‌های جیبی.
۱۰. شیدائیان، مهدی و رجبی سلمان، جواد (۱۳۹۵) «**بزه دیده و عوام‌گرا شدن سیاست کیفری**»، حقوق جزا و سیاست جنایی، ۱(۲)، صص ۲۷۵-۲۵۵.
۱۱. صالحی، علی، میرخلیلی، سیدمحمود و موسوی مجاب، سیددرد (۱۳۹۸) «**نگاهی به نتایج نقش آفرینی تعامل پلیس و رسانه در عرصه سیاست کیفری در ایران**»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۳(۱۰۸)، صص ۱۱۸-۱۰۱.
۱۲. طاهری شاد، پریمما و شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۸) «**پیامدهای سیاست کیفری عوام‌گرا در جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان**»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۷(۱۳)، صص ۱۴۶-۱۰۹.

۱۳. عزیزی، سمیه و میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۹) «ارتباط نظریه قوچ قربانی و عوام‌گرایی کیفری و تأثیر آن بر سیاست کیفری ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۹(۴۱)، صص ۲۴۲-۲۲۱.
۱۴. لازار، ژودیت (۱۳۹۵) *افکار عمومی*، ترجمه، کتبی، مرتضی، تهران: نشر نی.
۱۵. محمودی جانکی، فیروز و مرادی حسن آبادی، محسن (۱۳۹۰) «*افکار عمومی و کیفرگرایی*»، مجله مطالعات حقوقی، ۳(۲)، صص ۲۱۴-۱۷۵.
۱۶. مرادی حسن آباد، محسن (۱۳۹۰) *تأثیر افکار عمومی بر ابقا یا الغای کیفر اعدام در غرب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۷. مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۰) *عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. فرجیها، محمد و مقدسی محمدباقر (۱۳۹۳). «*جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری مواد مخدر*». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۷(۶۵)، صص ۴۸-۲۵.
۱۹. قربانی، ابراهیم، بیگی، جمال و پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۸). «*مطالعه فقهی و حقوقی تأثیرگذاری افکار عمومی بر کیفرگذاری‌ها در سیاست جنایی قضایی ایران*»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۲(۴)، صص ۹۷-۱۱۴.
۲۰. مقدسی، محمدباقر و فرجیها، محمد (۱۳۹۲) «*ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا: مطالعه تطبیقی*». مطالعات حقوقی تطبیقی، ۴(۲)، صص ۱۵۵-۱۳۷.
۲۱. مهرآرا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) *زمینه روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات مهرداد.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۸) *درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا*، دیپاچه ویراست سوم، لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
۲۳. نره‌ئی، ضرغام (۱۳۹۵) *کیفرهای توده‌گرا و بازتاب آن در نظام کیفری ایران*، تهران: نشر میزان.

(ب) انگلیسی

1. Binzer Hobolt, Sara, Robert Klemmensen (2005) ***Responsive government? Public opinion and government policy preferences in Britain and Denmark.*** Political Studies 53, no. 2379-402.
2. Keijser, J.W, Koppen, P.J, & Elffers, H, (2007) ***Bridging the gap between Judges and the Public? A Multi method Study,*** Journal of Experimental Criminology, Vol, 3(2).

